گزارش خبری

یلدا؛ رسم ماندگار در روزگار سخت

واکنش در برابر آیین‌های ایرانی

ادامه از صفحه ۸

با همه این شرایط اما مردم همچنان پایبند به سنت‌های ایرانی هستند؛ آنها به هر زحمت، با قسط و نسیه خرید می‌کنند تا مراسمی که با آیین‌های ایرانی گره خورده را زنده نگه دارند. «سعید معیدفر»، رئیس سابق انجمن جامعه‌شناسی ایران و از استادان بازنشسته دانشگاه تهران معتقد است که تأکید مردم برای برگزاری مراسمی مانند شب یلدا نوعی واکنش است. او به «شرق» می‌گوید که رشد اهمیت برگزاری مراسم یلدا بین مردم ارتباط مستقیمی با کمیابی حضور مناسبت‌های ملی در ساختار رسمی رسانه و مدیریت فرهنگی کشور دارد: «در جوامع انسانی معمولا وقتی چیزی کمیاب می‌شود، تمایل مردم به آن افزایش می‌یابد. در حال حاضر وقتی رسانه‌های رسمی کشور مثلا بر اعیاد و مراسم‌های مذهبی تأکید زیادی می‌کنند و در مقابل توجه کمی به مناسبات ملی دارند، مردم هم به این بی‌توجهی به چشم یک کمبود نگاه کرده و روی آنها توجه و تأکید بیشتری می‌کنند». این جامعه‌شناس به این نکته اشاره می‌کند که در گذشته نیز این اتفاق در ارتباط با مناسبات ملی افتاده است: «حدود ۲۰ سال پیش آیین چهارشنبه‌سوری مورد نکوهش بود و با این صحبت‌ها که این یک آیین آتش‌پرستی است، مورد نقد قرار می‌گرفت. این مسئله باعث ایجاد مقاومت‌هایی شد و اساسا چهارشنبه‌سوری به مرور از یک مراسم عادی تبدیل به یک مراسم مبالغه‌آمیز و حتی خطرناک شد. این واکنش از طرف مردم در برابر رویکردی بود که رسانه‌های رسمی و صداوسیما داشتند». براساس اعلام او، از گذشته تا به حال چنین مقاومت‌های بوده و هنوز هم وجود دارد: «رسانه‌ها و دستگاه‌های فرهنگی رسمی که بیشتر موضع رسمی را ترویج می‌کنند، هنوز نسبت به آیین‌های ملی موضع دارند و این باعث واکنش جامعه شده است. در گذشته نیز چنین بوده. در خاطرم هست قبل از انقلاب در سال ۱۳۵۷ مردم در کوچه و بازار آیین‌های مذهبی را بسیار باشکوه برگزار می‌کردند و دقیقا در مقابل دستگاه رسمی که بر این مراسم‌ها تأکید نداشت، قرار می‌گرفتند». «معیدفر» ریشه این تقابل را در تأکید حاکمیت بر واژه فرهنگ‌سازی می‌داند: «فرهنگ‌سازی مانند مهندسی فرهنگی، مفهوم اشتباهی است که متأسفانه در دستگاه سیاست‌گذاری فرهنگی ما رواج پیدا کرده است. با گذشت این همه سال و صرف بودجه‌های هنگفت هنوز به‌هیچ‌وجه فرهنگ‌سازی‌ای اتفاق نیفتاده، بلکه اقدامات انجام‌شده باعث مقاومت جامعه شده است». در نهایت اما «معیدفر» معتقد است این به معنی کنارگذاشتن مراسم‌های مذهبی نیست: «براساس همان مسئله کمیابی که در ابتدا گفتم، شب یلدا و مناسبات ملی مورد وثوق قرار گرفته‌اند. در حال حاضر احساس عمومی در جامعه این است که مناسباتی مثل یلدا و نوروز باید در برابر سیاست‌های فرهنگی موجود، مورد تأکید قرار بگیرد».

یلدا در فیلم‌ها، سریال‌ها و خاطرات جمعی توأم با تصاویری گرم و روشن است؛ بزرگ‌ترهایی که خاطره می‌گویند و کودکانی که بازی می‌کنند و انار و خوراکی‌های دلچسبی که دست به دست می‌شوند. اما حالا در واقعیت دیگر خبری از آن تصاویر نیست؛ گرانی، فقر و کاهش قدرت خرید، جامعه‌ای ناامید ساخته و شب یلدا با آن یک دقیقه بیشتر خود، زمانی بیشتر برای تجربه و فکر درباره این ناامیدی می‌دهد.

زنان در محاصره تحریم و سکوت جهانی

وقتی دارو به ابزار فشار، و حقوق بشر به قربانی سیاست‌های قدرت تبدیل می‌شود

نیروانامهرآیین
فعال حوزه خاورمیانه

تحریم‌های اقتصادی و بانکی یک‌جانبه علیه ایران، به‌ویژه آن دسته که دسترسی به دارو و تجهیزات پزشکی را محدود می‌کنند، پیامدهای انسانی، اجتماعی و حقوقی بسیار گسترده‌ای داشته‌اند. از زمان اعمال این تحریم‌ها، زندگی زنان ایرانی به شکل بی‌سابقه‌ای تحت تأثیر قرار گرفته است. زنان به دلیل نیازهای پزشکی ویژه و حساس خود، آسیب‌پذیرترین گروه در جامعه محسوب می‌شوند. محرومیت از داروهای حیاتی مانند داروهای مرتبط با بارداری، پیشگیری از بارداری، داروهای بیماری‌های مزمن، داروهای مرتبط با سرطان و داروهای تخصصی زنان، تهدیدی مستقیم برای سلامت جسمی و روانی آنان و نسل‌های آینده است. محدودیت دسترسی به دارو نه‌تنها کیفیت زندگی زنان را تحت تأثیر قرار داده، بلکه فشارهای روانی، اجتماعی و اقتصادی مضاعفی بر آنان وارد کرده و توانمندی زنان برای مشارکت فعال در زندگی اجتماعی و اقتصادی را به شکل چشمگیری کاهش داده است.

از منظر حقوق بین‌الملل و حقوق بشر، تحریم‌های دارویی که مانع دسترسی زنان به درمان‌های حیاتی می‌شوند، نقض روشن اصول پذیرفته‌شده بین‌المللی است. میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ICESCR) حق دسترسی به بالاترین سطح سلامت جسمی و روانی را تضمین کرده و دولت‌ها را موظف می‌کند شرایط لازم برای تحقق این حق را فراهم کنند. محروم‌کردن زنان از داروهای ضروری، نقض آشکار این حق بنیادین است و پیامدهای انسانی آن غیرقابل چشم‌پوشی است. محرومیت از داروهای حیاتی موجب افزایش مرگ‌ومیر ناشی از بیماری‌های قابل درمان، تشدید بیماری‌های مزمن، اختلال در سلامت روان، فشار اقتصادی و اجتماعی مضاعف بر زنان و محدودشدن توانایی آنان در مشارکت اجتماعی و اقتصادی می‌شود.

سکوت و نبود اقدام مؤثر سازمان ملل و دیگر نهادهای بین‌المللی در برابر چنین نقض‌های آشکار حقوق بشر، بحران را پیچیده‌تر کرده و مشروعیت غیرمستقیم به تحریم‌های دارویی داده است. سازمان ملل متحد که مسئولیت نظارت بر رعایت حقوق بشر و حفاظت از جمعیت‌های آسیب‌پذیر را بر عهده دارد، بارها درباره تأثیرات تحریم‌ها هشدار داده است؛ اما در عمل هیچ اقدام مؤثر و الزام‌آوری برای تضمین دسترسی به داروهای حیاتی انجام نشده است. این سکوت و کوتاهی، پیامدهای اخلاقی و حقوقی گسترده‌ای دارد و نشان می‌دهد که حقوق بشر، به‌ویژه حقوق زنان، هنوز آسیب‌پذیر و به سیاست‌های قدرت گره خورده است. هنگامی که نهادهای بین‌المللی در برابر محرومیت میلیون‌ها زن از داروهای حیاتی سکوت می‌کنند، این پیام ارسال می‌شود که حقوق بشر، تابع محاسبات سیاسی و منافع اقتصادی است و نه اصول بنیادین انسانی.

تحریم‌هایی که دسترسی به دارو را محدود می‌کنند، از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه نیز توجیه‌ناپذیر هستند. اصول پذیرفته‌شده حقوق بین‌الملل بشردوستانه، به‌ویژه اصل تمایز میان اهداف نظامی و غیرنظامی، تصریح دارد که اقدامات فشاردهنده نباید جمعیت غیرنظامی را هدف قرار دهند. تحریم‌های دارویی علیه ایران که زندگی میلیون‌ها زن و خانواده‌هایشان را مستقیما تهدید می‌کند، نقض آشکار این اصل هستند.

از منظر اجتماعی و روانی، محدودیت دسترسی به داروهای زنان پیامدهای بسیار عمیق و پیچیده‌ای دارد. اضطراب و فشار روانی ناشی از کمبود دارو، تضعیف روحیه زنان و افزایش بار مراقبت‌های خانگی و مسئولیت‌های خانوادگی، توانایی آنان را برای مشارکت فعال در جامعه کاهش می‌دهد. فشارهای اقتصادی ناشی از تحریم‌ها، در کنار محدودیت‌های درمانی، موجب افزایش شکاف‌های جنسیتی و کاهش فرصت‌های زنان برای آموزش، اشتغال و مشارکت اجتماعی شده است. این شرایط به‌ویژه برای زنان سرپرست خانوار، زنان باردار و مبتلایان به بیماری‌های مزمن، زندگی روزمره را به چالشی دائمی تبدیل کرده است.

آمریکا با استفاده از تحریم دارو، سلامت و زندگی زنان را به ابزاری برای فشار سیاسی تبدیل کرده و سازمان ملل با سکوت یا اقدام ناکافی، بخشی از این بحران شده است. حقوق بشر و حقوق زنان نباید قربانی محاسبات سیاسی و فشارهای اقتصادی شود. مسئولیت حفاظت از زندگی و سلامت زنان، در برابر چنین اقدامات تحریمی‌ای بر دوش دولت‌ها، نهادهای بین‌المللی و جامعه جهانی قرار دارد. سکوت جهانی در برابر محرومیت میلیون‌ها زن از دارو، پیام واضحی دارد: سلامت غیرنظامیان تابع ملاحظات سیاسی است و نه اصول حقوق بشر. این شرایط نه‌تنها سلامت زنان را تهدید می‌کند، بلکه کرامت انسانی، حق زندگی، حق سلامت و حقوق اجتماعی آنان را نیز نقض می‌کند.

جامعه جهانی موظف است مسئولیت خود را بپذیرد، سکوت را پایان دهد و با اتخاذ اقدامات عملی، دسترسی عادلانه و بدون مانع به دارو و درمان‌های پزشکی را تضمین کند. تحقق عدالت، احترام به حقوق بشر و حفاظت از زندگی زنان، نه‌تنها یک الزام قانونی، بلکه یک مسئولیت اخلاقی و انسانی است که نمی‌توان از آن چشم‌پوشی کرد. اگر جامعه جهانی و نهادهای بین‌المللی نتوانند در برابر این بحران واکنش مناسب نشان دهند، پیامدهای انسانی، اجتماعی و حقوقی آن سال‌ها بر جای خواهد ماند و نسل‌های آینده نیز تاوان آن را خواهند پرداخت. زنان در محاصره تحریم و سکوت جهانی، نماد بی‌تفاوتی و سیاست‌زدگی جهانی در مواجهه با حقوق بشر هستند و پیام آنها برای جهان این است که سلامت، زندگی و کرامت انسانی، نباید ابزار بازی قدرت و سیاست شود.

تحریم دارو، به‌عنوان ابزار فشار، باعث ایجاد یک چرخه معیوب از آسیب‌های روانی، اقتصادی و اجتماعی می‌شود که زنان را در موقعیت آسیب‌پذیری مضاعف قرار می‌دهد. این وضعیت، علاوه بر فشار مستقیم بر سلامت جسمی، توان زنان را برای دسترسی به فرصت‌های آموزشی، مشارکت اقتصادی و تصمیم‌گیری در زندگی شخصی و خانوادگی محدود می‌کند و در نتیجه اثرات تحریم‌ها فراتر از بیمارستان‌ها و داروخانه‌هاست؛ سلامت اجتماعی و روانی جامعه نیز در معرض خطر قرار دارد.

هم‌زمان ناتوانی یا کوتاهی نهادهای بین‌المللی در پاسخ به این بحران، پیامدهای حقوقی و اخلاقی گسترده‌ای ایجاد کرده است. وقتی مؤسسات جهانی که باید مدافع حقوق بشر باشند، در برابر محرومیت میلیون‌ها زن از دسترسی به درمان سکوت می‌کنند، استانداردهای جهانی حقوق بشر زیر سؤال می‌رود و هنجارهای بین‌المللی در عمل اعتبار خود را از دست می‌دهند. این وضعیت، نه‌تنها زنان ایرانی، بلکه همه جوامعی را که در معرض تحریم‌های مشابه قرار می‌گیرند، تهدید می‌کند و خطر یک استاندارد دوگانه جهانی در رعایت حقوق بشر را نشان می‌دهد. پیامدهای طولانی‌مدت این سیاست‌ها فراتر از مرزهای ملی است. تحریم دارو، سلامت زنان را به یک مسئله ژئوپلیتیک تبدیل کرده و تصمیم‌گیری درباره زندگی و مرگ انسان‌ها را در چارچوب منافع سیاسی و اقتصادی قرار داده است. این وضعیت، اعتماد عمومی به نهادهای بین‌المللی، قوانین حقوق بشر و مکانیسم‌های جهانی حفاظت از غیرنظامیان را تضعیف می‌کند و باعث می‌شود مردم احساس کنند زندگی آنان در معرض اراده سیاست‌مداران و قدرت‌های اقتصادی است، نه امنیت حقوقی و انسانی.

یادداشت

انقراض اجتماعی، قدرت سیاسی

ادامه از صفحه اول

در سیاست داخلی نظام‌های دموکراتیک هرچه میزان آزادی‌های سیاسی بیشتر باشد، ممکن است نفوذ امنیتی‌ها قابل قبض و بسط باشد. شناخت نظام تصمیم‌گیری در دموکراسی‌های غربی (و البته دیگر نظام‌های سیاسی) بدون شناخت ماهیت «قدرت تشکیلات امنیتی» و «دسیسه‌های کارشناسی» در تصمیم‌گیری‌های خودسرانه،شناختی ساده‌لوحانه است. همه اینها که گفته شد، نظام‌های سیاسی را آن‌چنان به خود مشغول می‌کند که به‌تدریج دچار «انقراض اجتماعی قدرت سیاسی» می‌شوند؛ یعنی قدرت سیاسی «معنای اجتماعی» خود را از دست می‌دهد، که این حتی بدتر از فقدان «پایگاه اجتماعی» است. «معنای اجتماعی» مفهومی فراتر از «پایگاه اجتماعی» است. اگر قدرت سیاسی نتواند به صورت نظام‌مند و تدریجی آبشخوری از نیروهای اجتماعی برای خود فراهم کند، از یک سو دچار «انقراض اجتماعی قدرت» و از سوی دیگر گرفتار کودتاهای درونی از سوی نهادهای خود (که به تسخیر نیروهای رانتی پیرامونی درآمده‌اند) می‌شود.

داستان غم‌انگیز برنج

ادامه از صفحه اول

اما تجربه سال‌های گذشته نشان می‌دهد که اجرای این سیاست در نبود نظام نظارتی کارآمد منجر به گسترش فساد و فربه‌شدن انحصارگران خواهد شد. طراحی نظام نظارتی کارآمد با استفاده از ظرفیت‌های سمن‌های فسادستیز می‌تواند به‌عنوان مکمل سیاست تخصیص ارز ترجیحی ضریب اثربخشی این سیاست را به بالاترین سطح برساند. در اوایل دهه ۶۰ در حوزه محصولات کشاورزی دغدغه کارشناسان این بود که قیمت برنج در فصل برداشت محصول به پایین‌ترین سطح کاهش می‌یابد و وقتی دلالان همه محصول برنج کشاورزان را خریدند و انبار کردند، تازه قیمت رو به رشد می‌گذارد. اما اینک سطح دغدغه این کارشناسان تا این حد سقوط کرده که آرزو کنند واردکنندگان برنج دل‌شان به حال اقشار کم‌درآمد جامعه بسوزد و معیشت آنان را گروگان نگیرند.

کارت خودرو و برگ سبز سند مالکیت خودرو سواری پژو ۲۰۷I رنگ سفید روغنی به نام **آقای احمد اصلی** به شماره شاسی NAAR۰۳FE۹LJ۱۰۳۶۲۹ و شماره موتور ۱۷۸B۰۰۱۹۹۵۰ و شماره پلاک انتظامی ۲۲ ایران ۶۸۳ ج ۱۴ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

اطلاعیه نوبت سوم

پیرو آگهی های قبلی در روزنامه اطلاعات به شماره ۲۹۱۰۳ و روزنامه شرق به شماره ۵۲۷۵ و با تشکر از اشخاصی که نظر خود را اعلام نمودند، برای آخرین بار از کلیه اشخاصی که نام،عکس و اطلاعات شان در مجموعه خاطرات شخصی اینجانب ذکر شده است یا احتمال آن را میدهند، درخواست می شود : در صورت عدم رضایت برای انتشار مشخصات خود،مراتب را حداکثر تا تاریخ ۵ دی ۱۴۰۴ از طریق پست الکترونیک به آدرس hsaririan@gmail.com اطلاع دهند.

هوشنگ صریریان

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی زراعی، باغات و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر نامه شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۱۱۴۷۰۰۵۱۱۱ مورخ ۱۴۰۴.۰۸.۱۷ منضم به رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۱۱۴۷۰۰۵۱۱۰ مورخ ۱۴۰۴.۰۸.۱۷ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی زراعی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک زیبادشت تهران تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی علی کلبانی و اشکن فرزند عزیزاله به شماره ملی ۶۲۶۹۸۴۹۶۰۸ نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۹۹.۸۷ مترمربع در قسمتی از پلاک ۴۶۴ به اصلی واقع در بخش ۱۰ تهران حوزه ثبتی زیبادشت که بموجب سند از مالک رسمی حاج علی اکبر رحیمی به متقاضی انتقال یافته است و تصرفات متقاضی محرز گردیده است لذا به استناد ماده ۳ اکبر قانون مذکور مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی تا چنانچه شخص و یا اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی نسبت به موضوع صدورسند بنام متقاضی مذکور هرگونه اعتراضی دارند ظرف مهلت دوماه از تاریخ انتشار اولین آگهی، به این اداره مراجعه و ضمن اعلام اعتراض و اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به دادگاه عمومی محل وقوع ملک تقدیم نموده و گواهی مربوطه را از دادگاه اخذ و به این اداره تحویل نماید، در غیر اینصورت پس از سپری شدن مهلت مقرر سند مالکیت وفق مقررات صادر خواهد گردید.م الف ۱۵۹۴۴ اداره ثبت اسناد و املاک زیبا دشت (تهران)

برگ سبز **خودروپژوسفیر** به رنگ نقره ای مدل ۱۳۸۱ به شماره پلاک ایران ۳۰ـ۶۸۶ن ۲۲ شماره موتور ۱۰۰۶۷۳۹ و شماره شاسی ۸۱۸۱۳۷۵۳ به نام **حمیدرضا سرخوش** مفقود گردیده و از درجه ی اعتبار ساقط می باشد.

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای ابوذر افشنگ و خانم فاطمه تقی زاده اصالتا طی وارده شماره ۰۱۰۴۵۰۳۰۵۵۳ مورخ ۱۴۰۴/۸/۶ با تسلیم استشهادیه گواهی امضا به شماره ۲۲۳۶۷ مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۰۵ دفترخانه ۳۴۸ تهران تقاضای صدور سند مالکیت المثنی نموده و مدعی است سند مالکیت یکدستگاه آپارتمان مسکونی به پلاک ثبتی ۱۳۱۲ فرعی از ۱۶۰۵ اصلی ، مفروز و مجزا شده از ۱۹۶ فرعی از اصلی مذکور ، قطعه ۴ در طبقه ۴ و واقع در بخش ۱۰ تهران به مساحت ۶۳۸۷ متر مربع ، واقع در طبقه چهارم که (۱ / ۱) یک متر و ده دسیمتر مربع آن بالکن، است. بانضمام انباری قطعه ۴ به مساحت ۳.۳۵ و پارکینگ قطعه ۲ به مساحت ۱۰.۵۶ واقع در طبقه ۰ به مالکیت ابوذر افشنگ فرزند عبداله شماره شناسنامه ۵ تاریخ تولد ۱۳۶۲.۰۵.۰۱ صادره از آمل دارای شماره ملی ۲۱۴۲۶۱۴۵۹۰ با جز سهم ۳ از کل سهم ۶ بعنوان مالک سه دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۱۰۷۲۸ تاریخ ۱۳۹۶.۰۱.۲۷ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۳۲۸ شهر تهران استان تهران، موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۵۱۲۵۵۴ سری الف سال ۹۵ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۳۹۶۲۰۳۰۱۰۴۵۰۰۴۹۰۱ ثبت گردیده و مالکیت فاطمه تقی زاده فرزند نصرت اله شماره شناسنامه ۳۷۸۱ تاریخ تولد ۱۳۶۴.۱۱.۰۴ صادره از آمل دارای شماره ملی ۲۱۴۳۰۳۹۸۲۴ با جز سهم ۳ از کل سهم ۶ بعنوان مالک سه دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۱۰۷۲۸ تاریخ ۱۳۹۶.۰۱.۲۷ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۳۲۸ شهر تهران استان تهران موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۵۱۲۵۵۵ سری الف سال ۹۵ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۳۹۶۲۰۳۰۱۰۴۵۰۰۴۹۰۲ ثبت گردیده است. محدودیت دفتر املاک :رهنی شماره ۱۰۷۲۸۱ و شماره سیستمی ۱۳۹۶۲۱۳۰۱۰۴۵۰۰۱۲۹۰ مورخ ۱۳۹۶.۰۱.۲۷ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۳۲۸ شهر تهران استان تهران که بنفع بانک مسکن ثبت شده و نامه شماره ۲۲۶۶.۶۵۰ مورخ ۱۴۰۴.۰۸.۰۶ بانک مسکن به علت جابجایی مفقود گردیده لذا مراتب در اجرای تبصره یک ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی میگردد تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به آن و یا وجود سند مالکیت مذبور نزد خود باشد از تاریخ نتشار این آگهی ظرف مدت ده روز اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله به این اداره تسلیم نماید تا مورد رسیدگی قرار گیرد بدیهی است چنانچه در مهلت مقرر اعتراضی و اصل نگردد المثنی سند مالکیت مرقوم صادر و به متقاضی تسلیم می گردد.

م الف ۱۶۳۵۴ اداره ثبت اسناد و املاک رودکی (تهران)

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه داودخانی بعنوان مالک با تسلیم دو برگ استشهادیه محلی مصدق شده طی شناسه یکتا به شماره ۱۴۰۴۰۲۱۵۳۳۵۶۰۰۰۸۵۱ و رمز تصدیق به شماره ۲۷۴۱۷۹ مورخ ۱۴۰۴.۰۸.۱۱ توسط دفترخانه اسناد رسمی شماره ۳۷حوزه ثبتی تهران شهر ریودر و برگ تقاضای شماره ۱۰۷۸۰۳۲۴۰۸ مورخ ۱۴۰۴.۰۹.۱۲ مدعی فقدان ششدانگ عرصه و اعیان آپارتمان مسکونی واقع در سمت غربی طبقه ۳ بمساحت ۶۴.۸۵ متر مربع که مقدار ۲.۱۰ متر مربع آن بصورت بالکن میباشد قطعه پنج تفکیکی به پلاک ثبتی ۸۰۱۹۱ فرعی از ۳ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۷۹۱۵۳ فرعی از اصلی مذکور واقع در بخش ۱۲ تهران با قدر السهم از عرصه و سایر مشاعات و مشترکات طبق قانون تملک آپارتمانها و آئین نامه اجرائی آن که بنام داود خانی برابر شماره چاپی ۳۲۸۱۱۲ ب / ۹۸بت و دفتر الکترونیک ۱۳۹۸۲۰۳۰۱۰۷۸۰۴۱۴۲۷ صادر و تسلیم گردیده است و نامبرده با اعلام مفقودی به علت اسباب کشی درخواست المثنی سند مالکیت پلاک موصوف را نموده است .لذا مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت فقط در یک نوبت در یک روزنامه کثیرالانتشار آگهی میشود تا چنانچه کسی ادعای انجام معامله نسبت به ملک مذکور و یا وجود اصل سند مالکیت نزد خود را داشته باشد از تاریخ انتشار این آگهی ظرف مهلت ۱۰ روز اعتراض خود را به انضمام اصل سند مالکیت به این منطقه ارائه نماید تا مورد رسیدگی قرار گیرد بدیهی است اصل سند مالکیت پس از رویت و ملاحظه به ارائه دهنده اعاده خواهد شد لیکن به اعتراض بدون ارائه اصل سند مالکیت ترتیب اثر داده نمیشود. در صورت عدم وصول واخواهی ظرف مهلت مقرر قانونی المثنی سند مالکیت پلاک مرقوم صادر و به متقاضی تسلیم خواهد گردید.م الف ۱۶۳۵۲ اداره ثبت اسناد و املاک یافت آباد (تهران)

آگهی فقدان سند مالکیت

ششدانگ یک دستگاه آپارتمان واقع در سمت شرقی طبقه سوم به مساحت ۱۸۹.۴۸ متر مربع که ۱۴.۳۳ متر مربع آن بالکن است قطعه ۶ تحت پلاک ثبتی ۲۰۷۳ و ۲۰۷۴ فرعی که به پلاک ۲۰۷۳ فرعی استاندارد گردید فرعی از ۱۱۷ اصلی مفروز از ۱۳۵۹-۱۳۶۲-۱۳۶۰ واقع در بخش ۱۱ تهران به انضمام انباری شماره شش تفکیکی به مساحت ۹.۸۴ متر مربع واقع در زیرزمین در صفحه ۴۱ دفتر ۵۱۴.۲ ثبت ۹۰۸۰۶ و چاپی ۳۳۰۵۲۷ بنام غلامعلی اسدپور پیرالقر ثبت وسند صادر گردید. نامبرده با ارائه دو برگ استشهاد شهود به شماره ۷۰۶۵۰۱-۱۴۰۴.۸.۸ دفتر ۱۸۰۷ تهران اعلام نموده سند مالکیت ششدانگ به علت جابجائی مفقود گردیده و درخواست صدور سند مالکیت المثنی نموده است لذا مراتب باستناد تبصره یک اصلاحی مورخه ۷۲/۹/۲ ماده ۱۲۰ - آئین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می شود تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به ملک مرقوم غیر از اسنادفوق ویا وجود سند مالکیت مذکور نزد خود می باشد از تاریخ نشر این آگهی ظرف مدت ۱۰ روز به این منطقه مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یاسند معامله تسلیم و رسید دریافت نمائید تا مورد رسیدگی قرار گیرد والا پس از انقضای مهلت مزبورو نرسیدن واخواهی نسبت به صدورسند مالکیت المثنی طبق مقررات اقدام خواهد شد.

م الف ۱۶۳۴۵ اداره ثبت اسناد و املاک سعادت آباد (تهران)

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر باینکه آقای پیمان قاضی شعرباف به نمایندگی بانک ملی ایران شعبه انبارهای عمومی کد ۱۳۴۵ با اعلام گم شدن سند مالکیت ملک مورد آگهی با تسلیم استشهادیه گواهی امضاء شده شناسه یکتا ۱۴۰۴۰۲۱۵۱۳۴۰۰۰۰۲۸۸ و ۱۴۰۴۰۲۱۵۱۳۴۰۰۰۰۲۸۷ رمز تصدیق ۶۵۶۱۴۳ و ۲۲۶۳۲۶ به شماره ترتیب ۵۷۳۴۹ و ۵۷۳۴۸ مورخ ۱۴۰۴.۰۹.۱۶ دفترخانه ۸۷ تهران تقاضای صدور سند المثنی سند مالکیت را نموده است که مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت به شرح زیر آگهی می گردد.

۱- نام و نام خانوادگی مالک : بانک ملی ایران

۲ - شماره پلاک : ۱۳۳۱ فرعی از ۳۱۰۱ اصلی واقع در بخش ۱۱ تهران

۳- علت گم شدن : جابجائی

۴ - خلاصه وضعیت مالکیت سند مالکیت ششدانگ یک دستگاه آپارتمان به پلاک ثبتی ۱۳۳۱ فرعی از ۳۱۰۱ اصلی ، مفروز و مجزا شده از ۱۹ فرعی از اصلی مذکور ، قطعه ۶ ردیف B در طبقه دوم و واقع در بخش ۱۱ تهران به مساحت ۸۸ متر مربع که مساحت ۱۰.۵۸ متر مربع ان بالکن است به انضمام انباری قطعه ۶ به مساحت ۷.۰۴ متر مربع به مالکیت بانک ملی شماره ثبت ۶۰ تاریخ ثبت ۱۳۰۶.۰۲.۱۷ دارای شماره ملی ۱۰۸۶۱۶۷۷۵۴۲ بعنوان مالک شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۳۵۸۴ تاریخ ۱۳۹۷.۰۸.۱۲ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۳۷۱ تهران بشماره چاپی ۴۳۷۰۵۷ سری الف سال ۹۷ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۳۹۷۲۰۳۰۱۰۲۶۰۳۴۱۸۷ ثبت گردیده است.لذا با توجه به اعلام فقدان سند مالکیت ملک فوق الذکر و درخواست صدور المثنی آن مراتب اعلام تا هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله کرده که در قسمت چهارم این اگهی ذکر نشده و یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود میباشد باید تا ده روز پس از اننتشار آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارایه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشود اداره ثبت المثنی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد.م الف۱۶۳۴۶ اداره ثبت اسناد و املاک قلهک (تهران)

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک رودکی تهران

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۱۰۴۵۰۰۱۹۰۳ مورخه ۱۴۰۴.۰۸.۰۶ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک رودکی تهران تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محسن سلیمان نیا فرزند شعبان بشماره شناسنامه ۷۸۲۲ صادره ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۳۰.۰۶ متر مربع پلاک ۲۵۵۰ فرعی از ۲ اصلی مفروز و مجزی شده از واقع در بخش ۱۰ خریداری از مالک رسمی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ ،رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم ،اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.م الف ۱۵۹۳۹ اداره ثبت اسناد و املاک رودکی (تهران)